

در این شماره:



شکوفه کریمی
دانشجوی ارشد مدیریت رسانه
Shokoufekarimi90@gmail.com

سخنی با خوانندگان

سرنوشت نامعلوم بازار جهانی نفت

داستان کوتاهی از زنان

کاربردی سازی علوم انسانی

اوج بیان بر بال آزادی

اما بعضی ها برابرترند!

گذرگاه دنیا را به پل صراط ختم می کند نه نهرهای روان و نه جهنم سوزان فرقی نمی کند و قبل از هر چیز تمام هستی برایش در حالت سکوت و سکون می میرد. در هر خودکشی که اتفاق می افتد یک بار دنیا می میرد، یک بار عشق می میرد، یک بار فلسفه می میرد و یک بار لشکر انتلکتوال ها و طبیبان جامعه در نبردی نابرابر شکست می خورد.

در موقعیتی که نه اهداف و نه مشکلات هیچکدام محرکی برای ادامه زندگی نیست و مختارانه مرگ محتوم خود را به تعجیل می اندازد، نه دنبال کلیدی می گردد نه در رحمتی برای رهایی.

هیچ شکلی از هستی را نمی خواهد. شاملو می گوید زندگی یک تصادف است و مرگ یک واقعیت. هر چند میل به جاودانگی باعث می شود که مرگ را فقط برای همسایه ببینیم، ما مسافران قطاری هستیم که هر ایستگاهی ممکن است نوبت پیاده شدنمان باشد.

اما چیزی که جامعه را پیش می برد موفقیت و خوشبختی نیست بلکه فکر کردن به خوشبختی است.

جامعه ای که در انتظار بهبودی است هم دست و پایش کار می کند هم فکرش. اما جامعه افسرده دست و پایش به اراده مغزش نیست.

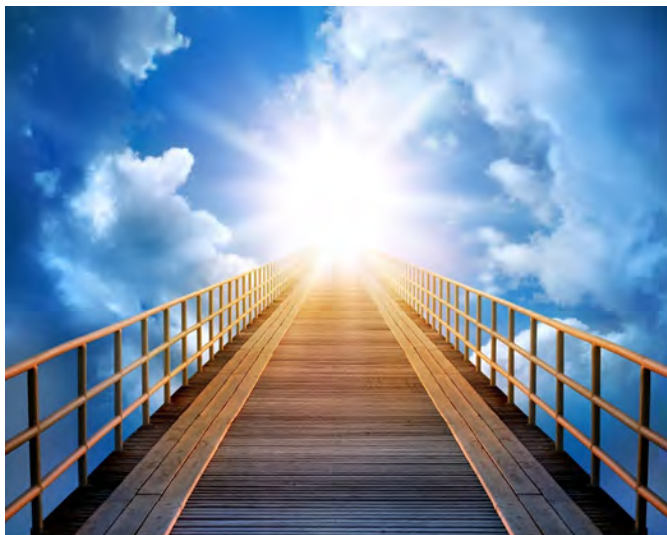
معمولا همه افراد در برهه ای از زندگیشان افسردگی را تجربه می کنند. حالاتی که بر روی ثانیه ها و دقیقه های بیرمق و تلبار شده روزانه سایه می اندازد. زمانی که با افکارشان تنها می شوند؛ خطر یک فروپاشی درونی وقتی که مغز بیشتر از دست و پا کار می کند. دیوارهای خانه، ساختمان های مکعبی و تمام چهره های متفاوت خیابان تکراری می شوند، طوری که کفشهایشان از خودشان دیدنی تر خواهد بود.

دیدن اخبار خودکشی های اخیر در میان اخبار جنگ و ناامنی سایر مناطق و همچنین عکس از میتینگ ها و سلفی های دوستان در کافه ها، ما را از واقعیات زندگی هایی آگاه می کند که در بستر جامعه فراموش شده اند. افرادی که در زیر لایه لایه از مشکلات بیرون می خزند تا در تلاشی مذبوحانه بر دیگران تاثیر بگذارند. راستش شاید خودکشی آنقدرها هم تصمیم پیچیده ای نباشد.

شاید همین پل آ.اس.پ روبروی پژوهشگاه لحظه ای ذهن عابری را برای تصمیم به نیست شدن در برگیرد. افکار انتحاری در یک آن شکل می گیرند مثل اینکه دو قدم عقب تر بخواهی سنگ و یا بطری که جلوی پایت افتاده به گوشه ای پرت کنی. اما کسی که خودکشی می کند به چه چیزی فکر نمی کند؟ وقتی

که تمام دلستگی ها و تعلقات دنیا رنگ می بازند.

اول هر صبح دیگر شروع دوباره نیست؟ و مهم نیست عقربه های ساعت روی چه عددی می گردند. دیگر به کتاب گناهان کبیره فکر نمی کند، به کتاب های مراقبه رازهای موفقیت مسعود لعلی و دیل کارنگی فکر نمی کند، به آینده شعر و ادبیات و فلسفه فکر نمی کند. برای فرد در جامعه ای که تمام آموزه هایش





سحر جهانیان

دانشجوی ارشد علوم اقتصادی

نفت شیل ۱۲ ریگ حفاری اضافه کرده اند. این اتفاق می تواند نشانه ای از افزایش تولید نفت شیل برای ورود به بازار باشد.

رقابت عربستان و ایران در این سوی گود

مازاد عرضه نفت را تا حدودی می توان به عربستان سعودی نسبت داد. اکثر کشورهای عضو اوپک تا حد زیادی خواهان کاهش عرضه نفت بودند به امید اینکه نفت قیمت واقعی خود را در بازار پیدا کند اما عربستان ساز مخالف خود را می نواخت و جنگ نفتی را آغاز کرد و حاضر به کاهش عرضه نفت نشد.

این اقدام عربستان سعودی برای کاهش قیمت نفت بیشتر از اینکه بر مبنای اهداف اقتصادی اتخاذ شده باشد بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد.

عربستان از جمله کشورهای عضو اوپک بود که رغبتی به بازگشت ایران در بازار جهانی نداشت.

همچنین در آخرین روزهای مذاکرات هسته ای میان ایران و ۵ قدرت جهانی

به تعادل خواهد رسید و تا حدودی مازاد عرضه بازار را کاهش خواهد داد. اما اتفاقی که در قاره اروپا افتاد مانع از اثرگذاری این گزارش بر بازار شد.

بر مبنای برخی از تحلیل ها خروج بریتانیا منجر به کاهش ارزش پوند و تقویت ارزش دلار خواهد شد.

افزایش ارزش دلار خبر خوبی برای کسانی که با ارزهای خارجی معامله می کنند نیست همچنین تجارت نفت هم با دلار بی رابطه نیست.

از طرف دیگر تحلیل گران معتقد بودند ذخایر نفت آمریکا ۲ میلیون بشکه کاهش پیدا کند، اما داده های موسسه امریکن پترولیوم نشان می دهد ذخایر نفت آمریکا ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه افزایش داشته است. در این رابطه «کارل لری» سرپرست بخش توسعه نفت و گاز در موسسه «فراست و سالیوان» معتقد است این افزایش ذخایر نشانگر هیچ روند ثابتی نیست و تنها جزو نااطمینانی های بازار است.

همچنین به گزارش بیکر نیوز تولیدکنندگان

شاید اگر سال گذشته از صاحب نظری در حوزه نفت و انرژی در خصوص پیش بینی قیمت نفت سوال می پرسیدیم، رسیدن قیمت نفت به زیر چهل دلار را غیر ممکن و تصورش را ناپاورانه می دانست. قیمت نفت بالای صد دلاری با افت و نزول چشم گیری مواجه شد. اما دلیل عمده ی این کاهش قیمت چیست؟

این کاهش قیمت موجب نگرانی کشورهای نفتی شده است. به عقیده بسیاری از کارشناسان یکی از دلایل عمده ی نزول قیمت نفتی عرضه و تقاضای این کالا بود که مازاد عرضه نفت موجب افت قیمت نفت شد و تاثیر جهانی انقلاب نفت شیل بر بازار نفت و گاز نیز تاثیر گذار بود.

به نظر بسیاری از کارشناسان، تولید کنندگان نفت شیل آمریکا مجددا عزم خود را برای بازگشت به بازار و افزایش تولید خود جزم کرده است و دلیل آن هم چیزی جز رسیدن قیمت نفت به مرز ۵۰ دلار نیست. در طی چند ماه اخیر بازار نفت با عدم تعادل مواجه بوده و چشم همه بخصوص کشورهای نفتی نگران به تعادل رسیدن این بازار است. طی انتشار گزارشی از سوی آژانس بین المللی انرژی، امید رسیدن به تعادل در بازار زنده شد اما این امیدواری عمر طولانی نداشت.

آژانس بین المللی انرژی اعلام کرد: «عرضه و تقاضا برای نفت در نیمه دوم سال ۲۰۱۶ پس از بروز اختلال های پی بینی نشده در عرضه برخی کشورها به توازن خواهد رسید، اما انتظار می رود بازار در نیمه نخست ۲۰۱۷ مجددا با مازاد عرضه مواجه شود.» داده های این گزارش در کنار اطلاعات ماهانه اوپک منتشر شد. و نشانه های مثبتی را برای بازار نفت ارائه می داد. اوپک در گزارش خود پیش بینی کرده بود با توجه به قطع تولید نفت نیجریه و کانادا بازار نفت در نیمه ۲۰۱۶



ایران در بازار حضور نداشت تاثیر اختلالات نفتی قیمت را به مرز ۶۰ دلار می‌رساند. ایران صادرات نفت خود را در ماه فوریه پس از لغو تحریم علیه خود از سر گرفت و در حال رقابت سنگین با عربستان سعودی است که در زمان تحریم‌ها تا حدی جای ایران را بعنوان یک منبع عرضه نفت به اروپا پر کرده بود. به اعتقاد برخی این بازپس‌گیری سریع سهم بازار توسط ایران به دلیل قائل شدن تخفیف برای مشتریان خود است در حالی که این ویژگی را باید به عربستان نسبت داد که اخیراً وارد جنگ قیمتی شد و به خریداران اروپایی خود ماه ژوئیه اگر در شمال غربی اروپا هستند ۳۵ سنت و اگر در حوزه مدیترانه هستند ۱۰ سنت کمتر از قبل بابت خرید نفت به این شرکت پول خواهند پرداخت.

این در حالی است که عربستان قیمت نفت تحویلی خود را در دیگر بازارهای کاهش نداد و این کاهش قیمت را فقط برای بازارهای اروپایی اش کاهش داد. می‌توان این اقدام را ناشی از رقابت عربستان با کشور ایران دانست.

روز قبل این اقدام عربستان، رویترز نوشت: «ابر نفتکش‌های اروپایی در حال حمل نفت ایران هستند و پس از انتشار این خبر عربستان قیمت نفت تحویلی خود را در اروپا کاهش داد.»

اقدام عربستان و ایجاد جنگ قیمتی مسبوق به سابقه است. اگر به بیست سال گذشته برگردیم عربستان در سال ۱۹۸۶ در اوج جنگ ایران و عراق با سیاست بازپس‌گیری سهم بازار، تولید نفت را افزایش داد و قیمت نفت را از حدود ۴۰ دلار به نزدیک ۱۰ دلار رساند. طی این اقدام عربستان، ایران یکی دو سال بعد جنگ را به پایان برد در آن زمان استنباط این بود که اقدام سعودی‌ها علیه سیاست ایران است.

طبق صحبت‌های بیژن زنگنه، وزیر کنونی نفت، ایران هم در مقابل در حال افزایش تولید است. این اقدام ایران هم گواهِ دیگری دال بر کاهش قیمت نفت است.

ایران با تمام قدرت خود در حال افزایش تولید، بازگشت به بازار و بازپس‌گیری سهم از دست‌رفته خود است. صادرات ایران در ماه مه ۲۰۱۶ نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد افزایش داشته است. بازپس‌گیری نفت ایران به مقصد آسیا در ماه ژوئن ۱،۶۲ میلیون بشکه در روز بوده، که اندکی بالاتر از ماه می است، اما نسبت به بالاترین رقم امسال یعنی ۱،۷۱ میلیون بشکه که در ماه آوریل به ثبت رسیده بود کاهش داشته است. بازپس‌گیری نفت ایران به مقصد چین حدود ۶۱۰ هزار بشکه بوده که کمترین رقم در ۳ ماه گذشته است. بازپس‌گیری به مقصد هند نیز حدود ۴۰۶ هزار بشکه



بوده، در حالی که بازپس‌گیری به مقصد کره به بالاترین رقم چند سال گذشته یعنی ۳۲۳ هزار بشکه در روز رسیده است. بازپس‌گیری به مقصد ژاپن نیز به حدود ۲۹۰ هزار بشکه در روز رسیده که بالاترین رقم از ماه آوریل تاکنون است. در ماه ژوئن کشورهای یونان، ایتالیا، اسپانیا و ترکیه همگی از ایران نفت خریدند. لهستان نیز در این ماه برای اولین بار از ماه اوت گذشته حدود ۶۷ هزار بشکه در روز از ایران نفت خریداری کرده است.

همچنین رویترز گزارش کرد: «فروش نفت ایران از ماه دسامبر دو برابر شده است و این امر سبب شده تا اختلالات اخیر نفتی فشار کمتری را به بازار وارد کند. چه بسا اگر

پیش‌بینی‌ها از اثرات منفی بازگشت ایران به بازارهای جهانی انتشار می‌یافت و اکثراً عقیده داشتند در بازاری که از مزاد عرضه رنج می‌برد، بازگشت ایران اوضاع را پیچیده‌تر خواهد کرد. عربستان هم با ورود ایران به بازار دست به اقداماتی همچون مزاد عرضه و کاهش قیمت به انگیزه‌ی رقابت برای تثبیت سهم خود در بازار زد. ورود مجدد ایران به بازار نفت، تنش‌ها بین تهران و ریاض، دو رقیب منطقه‌ای را افزایش داد و موجب شد تا تلاش‌های اوپک برای محدود کردن تولید به نتیجه نرسد. شاید پیش‌بینی‌ها درباره حضور ایران در

بازار جهانی درست بوده باشد اما اختلال نفتی سه حوزه سبب خیر برای ایران شدند.

آتش‌سوزی کانادا و حمله‌ی گروه‌های نظامی به تاسیسات نفتی شورون آمریکا در نیجریه و بحران اقتصادی ونزوئلا دست به دست هم دادند تا قیمت نفت روند صعودی بگیرد و افزایش عرضه‌ی ایران با اختلال این سه حوزه و کاهش عرضه نفت همزمان شود و توانست افزایش عرضه ایران را پوشش دهد.

ایران در ماه‌های اخیر تولید نفت خود را افزایش داده است و سرعت افزایش تولید ایران شگفتی‌ساز شده است.



صبا عنایتی
دانشجوی ارشد زبان شناسی
sabaenayaty@gmail.com

داستان کوتاهی از زنان

لندن، ۱۹۱۴

سفر به لندن برای شرکت در نهار کلوپ ویکتوریا با وجود هوای دم کرده و داغ، طاقت فرساتر از این حرف‌هاست. سخنران، پسر دردانه‌ی خانم ترک است، همان ریچارد ترک معروف که می‌خواهد درباره‌ی مساله‌ی زنان یا بهتر است گفته شود مروری کوتاه بر تاریخ زنان حرف بزند. برای همین در کاتالوگی که فرستاده بودند، نوشته شده بود: مروری کوتاه بر تاریخ زنان. دوباره و دوباره، نگاهی بر مساله‌ی زنان، باز هم دوباره، به افتخار خانوم ژوزف آلن ترک، دوباره، بانویی خستگی ناپذیر و بی‌همتا در راه رسیدن به آرمان‌هایش.

جمعیت دور میزها به صندلی‌ها تکیه زده‌اند و از شدت گرما توان تکان خوردن ندارند. ریچارد ترک با ژاکت و شلوار سفید شیکش روبه‌روی حضار ایستاده‌است. او خدای فلسفه است ولی تمایل بیشتری به اصلاح نژاد انسان‌ها دارد. همه‌ی آنها این طوری هستند، نه؟ همه‌ی آنها به اصلاح نژاد علاقه‌مند شده‌اند. این نتیجه‌ی کنفرانس اخیر گل‌تون است و به قول ویلیام، بحث داغ صف‌های اتوبوس. بدون شک ریچارد ترک قصد دارد بیاید پشت تریبون و از ظرافت مجامه‌ی زنان حرف بزند، از اینکه می‌تواند با دست‌هایش از رمز و راز مجامه سر در آورد، شاید هم یکی با خودش فکر کند که ریچارد ترک بیشتر از همه دلش می‌خواهد این مجامه را خرد کند.

مادرش خیلی به او سخت می‌گیرد، مادرش با همه‌ی مردها این طوری رفتار می‌کند و اینکه چرا ریچارد ترک در کلوب ویکتوریا، در فرانسه و جاهای دیگر این گونه از زنان طرفداری می‌کند، جای سوال دارد؛ ممکن است عقلش را از دست داده باشد.

ضربه‌ای به لیوان آبش می‌زند و منتظر می‌ماند تا خانم‌هایی که ایستاده‌اند، جایی برای نشستن پیدا کنند.

دوروتی تصور می‌کند که ریچارد ترک دارد با خودش فکر می‌کند که این زن‌ها چقدر حرف می‌زنند، دیگر چه؟ مردها به

چه چیزهایی فکر می‌کنند؟ دوروتی واقعا نمی‌داند. اگر از ویلیام بپرسد، خواهد گفت: زن‌ها حلقه‌ای فکر می‌کنند. قبلا گفته بود که مردها خطی فکر می‌کنند، مثل حرفی که دکتر وان زده بود.

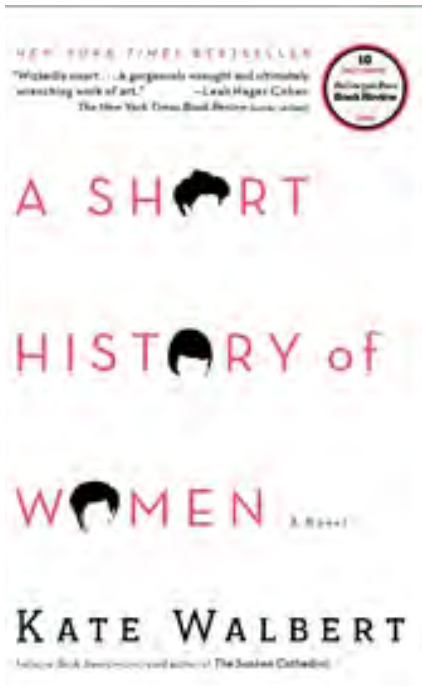
دکتر وان تنها استاد دانشگاه کمبریج است که به دخترهای گیتون اجازه داده بود در جلسه‌ی سخنرانی‌اش شرکت کنند. دوروتی و بقیه‌ی دخترها از دست خانم‌هایی که استخدام شده بودند تا به آنها رفتار درست در جلسه را یاد بدهند، به تنگ آمده بودند. آنها زن‌های باهوشی بودند ولی هیچ چیز بیشتر از یک فروشنده نمی‌دانستند. دوروتی می‌خواست صدای مردهای معروف را بشنود، نویسنده‌هایی که کتاب‌هایشان را خوانده بود.

«حالا تو چند سالت؟ پونزده؟ شونزده؟» کتر وان زل زده بود به دوروتی و کاسه‌ی سوپش داشت سرد می‌شد.

دانشجوها با دلخوری اتاق دکتر وان را به او نشان داده بودند «اجازه می‌ده بری تو ولی حوصلتو نداره».

صاف ایستاده بود جلوی استاد و موهایش را بالای سرش جمع کرده بود، با همه اینها حس می‌کرد چقدر سنگین شده، کاش می‌توانست یک دوش گرم بگیرد، اما گیتون این نزدیکی‌ها نبود. همه‌ی راه را با دوچرخه‌ای آمده بود که روزی برای مادرش بود. «هیجده»، کاش که سنش را نگفته بود، پشیمان بود از حرفش. «و تو می‌خواهی مثل یه موش همینجوری ساکت بمونی؟» دوروتی سرش را تکان داد ولی وان حواسش به غذای استاد بود، قاشق در دست‌های بزرگش اصلا دیده نمی‌شد. ملج ملوچ کنان گفت «خب پس همینطوری ادامه بده»

«خانم‌ها» ریچارد ترک با صدای بلند و آمرانه‌ای توجه آنها را جلب کرد. دور میز دوروتی را خانم‌هایی که تا حالا هیچ وقت ندیده بود، اشغال کرده‌اند. آنها لباس‌های بنفش یا کرمی را برای نشان دادن حمایت خودشان از حق رای زنان پوشیده‌اند. البته بیش‌تر تلاش آنها برای جنگ، کمک‌های

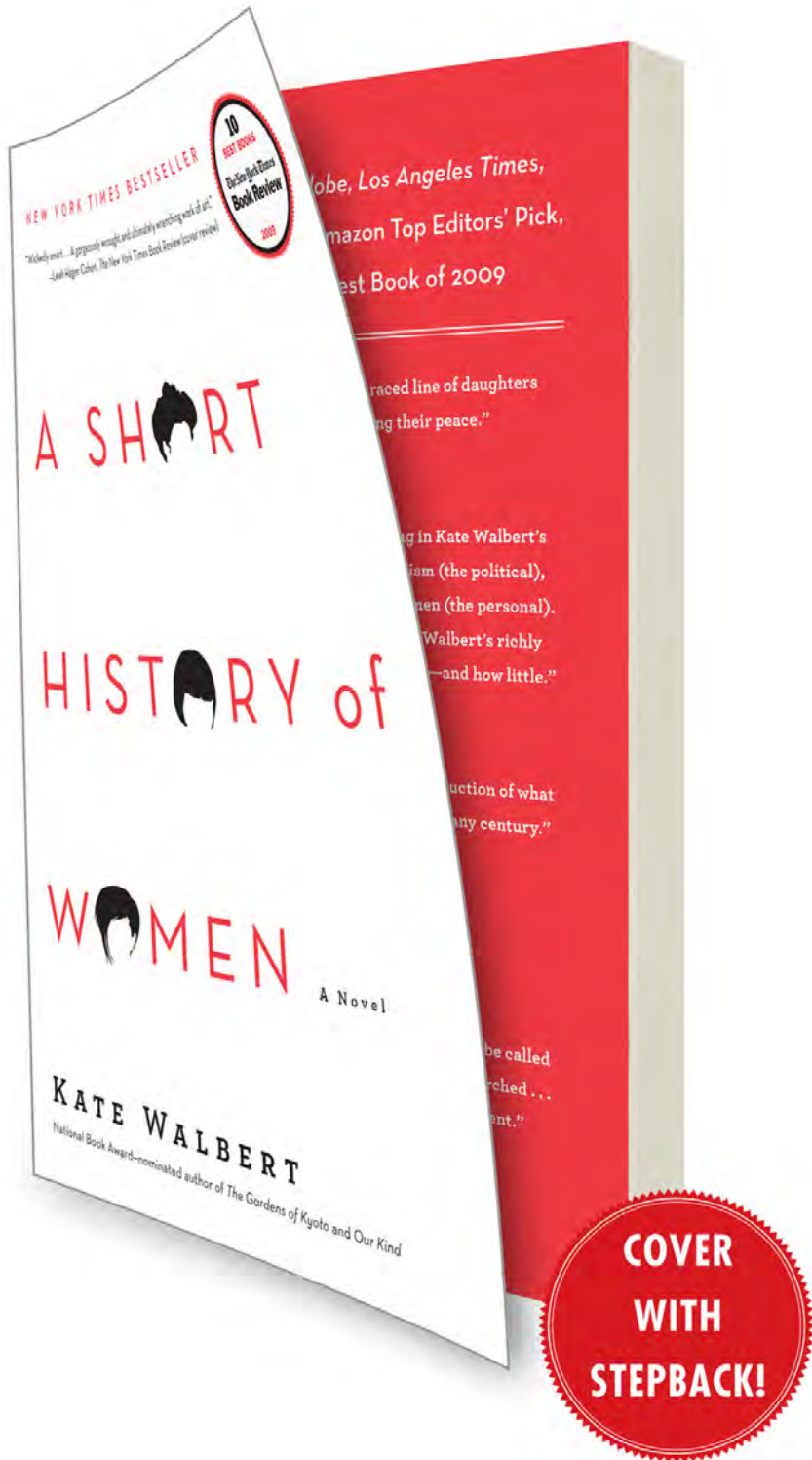


داوطلبانه‌ی مستقل و بسته‌بندی وسایل جراحی و جعبه‌های صلیب سرخ است. زحمت‌های آنها شاهده‌ی بر تمایلات وطن پرستانه و احساس مسئولیت عمیق ایشان است. دکتر وان اعتقاد داشت که در بین گذشتگان، احساسات و روزمرگی‌های غیر اساسی مانع شکوفایی توانایی تفکر عمیق زنان شده‌است.

اما حالا مردم اینجا جمع شده و منتظر ترک هستند که طبق وعده‌ی قبلی با داروین حرف‌هایش را شروع کند. کسی که ادعای ساختن زندگی تازه‌ای را برای آنها دارد.

ترک ادامه می‌دهد، «حالا می‌رسیم به کارهای هولاک ایس...»

دوروتی اول حرف‌هایش را می‌شنود ولی بعد دیگر صدای پیانوی توماس جای صدای ترک را در ذهنش می‌گیرد. نشسته سر پیانو و تمرین می‌کند، با پای سالمش پدال را فشار می‌دهد و پای معیوبش سخت و سفت، مثل مشت‌ی بسته، جمع شده‌است. حتی اگر دکتر نخواهد بگوید او خودش قبلا جایی خوانده‌است: «اگر مادر در شرایط روحی و جسمی بسیار سختی باشد ممکن است به جنین آسیب رسیده و مانع از رشد طبیعی‌اش شود، این وضعیت مادر باعث نابهنجاری



جسمی و گاهی مغزی می‌شود، تعداد بی شماری...»

دوروتی با خودش می‌گوید: «تمرکز کن. به اینجا و این لحظه فکر کن.»

نگاهی به دور و بر می‌زند، بیشتر خانم‌های اطرافش چشم‌هایشان بسته است. «الیس، مردی که من بی‌نهایت به او احترام می‌گذارم، تحقیقاتش را وقف فردگرایی و نتایج آن کرد. اینکه چگونه این موضوع به شما مربوط می‌شود، به همه‌ی شما، مطلبی که تمام تلاش‌م را برای روشن کردنش انجام می‌دهم، اما در ابتدا دوست دارم سپاس خود را نسبت به آقای هربرت اسپنسر برای کارهایی که در حوزه‌ی تکامل انگلی و طبیعت انجام داده است، اعلام کنم و برای اینکه متوجه شد، همان‌طور که نوشته، تنها بهترین‌ها زنده خواهند ماند. اما اول...»

دوروتی فکر کرد: «دوباره؟»

«از مادرم تشکر می‌کنم کسی که جلسه‌ی

امروز به افتخار او ترتیب داده شده»

دوروتی مادر ریچارد ترک را تصور می‌کند:

قد کوتاه و خون‌گرم، شبیه همه‌ی مادرهای مردان باهوش، مچ‌های قرمز و دست‌های سوخته، پاهایش به خاطر آتش سیاه شده است.

«کسی که بورس تحصیلی‌اش را، که رویایش بود، انکار کردند و کاری نزدیک آتش به او دادند...»

اوه!

«برای اینکه نشان دهند زن‌ها نقشی در جامعه و مدنیت ندارند. از وقتی که من پسر کوچکی بودم این برخوردها من را می‌رنجاند! وه! چقدر حساس!»

«و دلم می‌خواد اضافه کنم که او بیش‌تر از

پدرم به من آموخت...»

غیر منتظره است!

«که خوب و بد چیست، عدالت چیست، و

اینکه دولت ما چگونه کار می‌کند. تحقیقاتی

که در کلوب کاشفان انجام شده به ما نشان

دادند که جوامعی وجود دارند که زنان خود

را ارج می‌نهند و برای ادامه‌ی حیاتشان به

زن‌ها وابسته‌اند. قبایلی از آمازون بسین در

آمریکای جنوبی...»

به اینجا حرف‌هایش که می‌رسد مکث

می‌کند. لیوان آبش را برمی‌دارد و به

جمعیت نگاه می‌کند

دوروتی فکر می‌کند که ریچارد از یک چشم

کور است، دوروتی حتماً یک جادوگر است،

دکوراسیون بیش از حد تجملاتی و شلوغ است و شاید برای همین چشم‌مرده، چشم‌مرده‌اش به دنبال خلاء می‌گردد، شبیه جایی خالی، مثل آسمان، مثل دریا. خالی، ساکت، رهایی از انتظارات، از دیده شدن، از خودت. اما شاید دوروتی باشد که این‌ها را می‌خواهد، نه ترک...

ادامه دارد...

منبع: A Short History of Women, By Kate Walbert

این اولین بار نیست که به این فکر افتاده. از اینجا می‌تواند لک‌های سفیدی را که همه جای چشمش پخش شده‌اند، ببیند یا شاید فقط دارد خیال‌پردازی می‌کند. عجیب است که از این فاصله می‌تواند اینقدر واضح چشم‌های ترک را ببیند، انگار درست دیده، چشم ثابت مانده است، خیره به ردیف خالی بین میزها، شکی نیست که حواسش پی‌ناهار است، مثل طاووسی مغرور.

روشی خلاقانه برای کاربردی سازی علوم انسانی در نظام آموزشی

بتول مهدی زاده

دانشجوی ارشد زبان شناسی همگانی

mahdizade.ba@gmail.com



کلامی یا ظاهری متقاعد کنید تا ایده‌ی شما را بپذیرند. اگر به آنچه که انجام می‌دهید معتقد باشید، اطمینانی را که دارید، به دیگران هم تسری خواهید داد. شما باید از کمک سایر افراد نیز استفاده کنید.

باید بتوانید برای پرورش ایده، آن را با دیگران در میان بگذارید. در مباحث ایده‌پردازی سندرومی به نام سندروم تونل وجود دارد که بسیاری از ایده‌پردازان از آن رنج می‌برند. آنها از یک فضای محدود به ایده‌ی خود نگاه می‌کنند. اما وقتی که با دیگران همفکری می‌کنیم، از خارج از این فضا و در سطحی بزرگتر به موضوع توجه می‌شود. برای بدست آوردن نتیجه‌ای مطلوب باید برای ایده وقت و تلاش صرف کرد.

اخیرا در برنامه‌ی زنده‌ی تلویزیونی، میز بورس ایده که یک آیتم جدید برنامه‌ی صبحگاهی «حالا خورشید» با اجرای رضا رشیدپور است، از شبکه سه در حال پخش است. این اقدام بسیار جالب و کاربردی است.

در این بخش کسانی که ایده‌های متفاوتی در حوزه‌های صنعتی، فرهنگی، تجاری و غیره دارند، می‌توانند ایده‌ی خود را بازگو کنند. ایده‌های برتر توسط سرمایه‌گذاران در برنامه خریداری و عملی می‌شود.

همچنین به عنوان مورد دیگری از فعالیت‌های انجام شده در حوزه‌ی ایده‌پروری و تجاری‌سازی ایده‌های نو، می‌توان به دانشگاه جامع امام حسین اشاره کرد که سامانه‌ای را ایجاد کرده است و با این اهداف به کار خود ادامه می‌دهد:

توسعه و تقویت فرایند و فرهنگ ایده‌پروری در سطح جامعه‌ی علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی کشور، حفظ و نگهداری پژوهشگران به عنوان سرمایه‌ی علمی کشور، به کارگیری ظرفیت‌ها و توان علمی پژوهشگران و اساتید در جهت رفع نیازهای تحقیقاتی کشور، ایجاد محیط برای شکوفایی استعدادها و پرورش خلاقیت. ما هم می‌توانیم دانسته‌های خود را در قالب ایده و پرورش آن عملی کنیم و از این طریق گامی هر چند کوچک به سوی کاربردی کردن علوم انسانی برداریم. اگر همت کنیم، قطعا از جانب اساتید و مسئولین نیز حمایت خواهیم شد.

بتواند به حل مسائل کمک کند و خدماتی را برای حل مشکلات مردم، ارائه دهد. اگر علوم انسانی به سمت تجاری شدن پیش روند، میزان بهره‌وری در این حوزه بیشتر خواهد شد. به عنوان مثال تجاری‌سازی ایده‌های دانش‌آموزان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، یک نمونه از روش‌های پیشنهادی برای کاربردی‌سازی علوم انسانی است.

داشتن یک تیم خوب و انجام کارهای جمعی، تشکیل جلسات طوفان فکری برای رشد و پرورش ایده تا حدی که آن ایده بتواند مشکلی از مشکلات جامعه را حل کند، از جمله کارهایی هستند که می‌توان در این زمینه انجام داد. برای تحول در علوم انسانی هم به تلاش فردی نیاز است و هم به حمایت بیرونی. باید توجه داشت که تحقق ساماندهی، سرمایه‌گذاری، کشف استعدادها و از اینها مهمتر، ارتباط سودمند دانشکده‌های علوم انسانی با جامعه و حل مشکلات اجتماعی، نیازمند تلاش بیشتر از سوی اساتید، دانشجویان و دولت‌مردان است.

دانشجویان نیز باید بتوانند ایده‌های خود را مطرح کرده و با پرورش دادن آن به کمک اعضای تیم، ایده‌ی خود را به سمت کسب درآمد و تجاری‌سازی حرکت دهند. از جمله فواید فضای کار گروهی می‌توان به کاهش استرس، توانایی مدیریت زمان، بیشتر شدن فعالیت‌های اجتماعی، مجالی برای شبکه سازی، پایین آمدن ریسک کاری و کاهش هزینه‌ها، اشاره کرد. همچنین افراد می‌توانند با حضور در فضای کار گروهی خود را برای حضور در محیط کار و کسب درآمد آماده سازند. آموزش‌هایی برای ایجاد محیط کاری مشترک، ایجاد ارتباط سازنده بین افراد مختلف تیم و همچنین ایجاد خلاقیت در فرد و تبدیل کردن ایده‌های افراد به واقعیت، در این زمینه کمک‌رسان خواهد بود. بدین طریق می‌توان با افزایش روحیه پژوهشگری به سمت کاربردی‌سازی دروس دانشگاهی برای دانشجویان نیز پیش رفت.

داشتن ایده‌ها و الگوهای صحیح فکری، کافی نیست. باید بتوان یک ایده‌ی خاص را به موفقیت رساند. اشتیاق و اطمینان، ویژگی است که باعث می‌شود تا بتوانید دیگران را به طور

در شماره‌ی قبلی نشریه‌ی بیان، در بخش اول از مسابقه‌ی یادداشت نویسی، به موضوع «جایگاه علوم انسانی و وضعیت کاربردی این علوم» پرداخته شد. در این بخش ابتدا تعریفی کلی از کاربردی کردن علوم انسانی بیان می‌شود. سپس اشاره‌ای به دلایلی خواهد شد که باعث شده تا علوم انسانی غیر کاربردی محسوب شوند. در آخر نیز «روشی خلاقانه برای کاربردی‌سازی علوم انسانی در نظام آموزشی» ارائه خواهد شد.

دکتر حسینعلی قبادی در یک تعریف کلی، کاربردی کردن علوم انسانی را فناورانه ساختن آن می‌داند. یعنی علوم انسانی به طریقی حرکت کند که به حل مسئله ناظر باشد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) دکتر عبدالرحمان حسینی فر، در نشست ماه پیش با عنوان «چالش‌ها و مسائل معطوف به کارکرد علوم انسانی در ایران» تاکید کردند: «غیر کاربردی بودن علوم انسانی به دلیل سوءمدیریت‌ها، پایین بودن توانایی فارغ‌التحصیلان این رشته، نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش علوم انسانی و کمبود منابع است. در دانشگاه‌های ایران خواندن‌های بی‌هدف و تکرار آنها موجب شده که روحیه پرسش‌گری در دانشجویان این رشته وجود نداشته باشد چون روش مطالعه متون علوم انسانی در ایران درست نیست و قابلیت پاسخگویی به نیازهای زندگی روزمره را ندارد.» همچنین دکتر حسینی فر به فقر تاریخی علوم انسانی در ایران اشاره کرد و گفت: «تاریخ علوم انسانی در ایران نگارش نشده است و بی‌اعتمادی مدیریتی و فرهنگی به پژوهشگران بومی وجود دارد. علاوه بر این عدم جایگاه مناسب برای محققان و اندیشمندان این رشته موجب شده تا علوم انسانی به جایگاه مطلوب خود در جامعه نرسد. وی تاکید کرد: «چقدر می‌دانیم» و «چه می‌دانیم» مقدمه بازشناسی این حوزه است و مهمترین کار در این مرحله اراده به دانستن است.»

کاربردی‌سازی علوم انسانی در سیستم آموزشی

می‌توان به درآمدزایی به عنوان رویکردی اشاره کرد که علوم انسانی را به سمت تجاری‌شدن سوق خواهد داد. علوم انسانی باید



بدریه جوکاری
دانشجوی ارشد مدیریت رسانه
Bjokari@yahoo.com

بخش دوم

اوج بیان بر بال آزادی

این دست قوانین به نوعی پوشاندن پوستین وارونه به اسلام است که اسلام را تنها در حجاب زنان می بیند و سخت گیری های اجرای قوانین را تنها در این عرصه اعمال می کند. ما در بحث «اعتقادات» که اصول تقلیدی نیستند هیچ پنجره ای برای تحقیق باز نکردیم.

«علم کلام» نیز که باید به شبهات روز ما پاسخ گوید، تنها همان اصول قدیمی را تکرار می کند. در واقع پوستینی وارونه از بیرون به درون بر اسلام پوشانده ایم و در واقع با پرداخت مسائل صرفاً ظاهری مثل حجاب تنها باعث تفرقه و دور کردن دل هم کیشان خود شده ایم.

از این دست ظواهر می توان رسم جدیدی به نام «دهه محسنیه» را نام برد.

* تاثیر حجاب اجباری را بر هویت زن چگونه ارزیابی می کنید؟

* ما در جایی از قرآن داریم که: «لا اکراه فی الدین». اجبار افراد بویژه کودکان به انجام هر امری (چه امور پسندیده مانند نماز، حجاب و ... و چه امور ناپسند) کرامت انسانی و عزت نفس را در آنها خدشه دار کرده و جامعه ای چند شخصیتی و متظاهر را بوجود می آورد.

* شما دیدگاهتان درباره نحوه پوشش فرزندانان چیست و درباره جوانانی چون آنان چه توصیه ای دارید؟

* همه جوانان و همه افراد جامعه دانشجویان خداوند بر روی زمین اند و باید حقوق آن ها را گرامی شمرد. لذا در نسل جدید باید به بازسازی روحی و روانی آنها پرداخت. وقتی خداوند انسان را واجد نعمتی به نام اختیار قرار داده است.

ما نیز در مقام بندگی باید از معبود خود پیروی کرده، حق انتخاب و اختیار را برای هموعان خود قائل شویم.

دختران من نیز مانند بسیاری از دختران سرزمینشان خودشان پوششی برای خود برگزیده اند و من به آنها حق انتخاب داده ام و خوشحالم که به انتخاب خودشان حجابی معقول و مقبول خداوند متعال برگزیده اند.

نهج البلاغه پژوهشگرده نهج البلاغه و عضو هیات علمی پژوهشگرده غرب شناسی و علم پژوهی است.

* حجاب برای زنان در کشور ما بیشتر حقی از حقوق بشر است یا وظیفه او؟

* در کشور ما انتخاب نوع پوشش پیش از اینکه یک حق برای زنان باشد، وظیفه ای شرعی و قانونی است که البته بصورت آگرنایسمان و فربه شده کل حقوق و تکالیف زن را به محاق فرورده است. این اغراق تا جایی پیش رفته که تنها ملاک ارزیابی «زن» نه ملاک های انسانی و اخلاقی بلکه تنها شکل ظاهری او در نظر گرفته می شود.

البته داشتن چهارچوبی معقول برای حجاب در عرف خوب است اما رنگی که بیشتر بانوان ما برای پوشش خود (به هر دلیل) انتخاب می کنند، چه از نظر روانشناسی و چه در احادیث و سیره عملی ائمه اطهار، رنگی است دوزخی که مایه افسردگی و دلردگی است. چنانچه می دانیم افسردگی زمینه های رشد و توسعه را از انسان ها می گیرد.

اینکه زن را چه در گفتمان سنتی خود که نام اسلام بر آن نهاده ایم و چه در گفتمان مدرن که لباس روشنفکری بر آن پوشانده ایم، تا این حد به جنسیت (منظورمان sex است و نه gender) تقلیل دهیم، باعث حرصی لجام گسیخته برای خوداظهاری زن از نظر ظاهری می شود. شاهد این گفته عبارت «الانسانُ حریصٌ علی ما مَنع» است. این در حالی است که نگاه قرآن به زن بعنوان موجودی است که برای ساخت و تکامل آدم بر زمین آمد و نه موجودی که تنها به جنسیت محدود باشد.

باید دانست که تقلیل زن به جنسیت، مادرانگی را از او و در نتیجه مادرها را از جامعه می گیرد که این خود منتج به سست شدن بنیان خانواده در اجتماع می شود.

* نظر شما درباره قوانین مربوط به حجاب چیست؟



حق انتخاب پوشش برای افراد از جمله حقوق طبیعی، اساسی و بشری انسان ها است.

چنانچه گفتیم حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز چه در پرداخت مبانی و اصول اسلامی خود و چه در پیوستن به معاهدات بین المللی مبنی بر رعایت حقوق بشری، این حقوق و مبانی آن را به رسمیت شناخته است. قانون حجاب طبق دستور آیت الله خمینی (ره)، درباره اجباری شدن حجاب در ادارات دولتی اجرا شد و در سال ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی، برای عدم رعایت حجاب در معابر عمومی، مجازات تعیین نمود. برخی با ضرورت بحث حجاب مخالفند، زیرا، آن را مسئله ای فردی می دانند نه جمعی.

از جمله ادله ایشان، آن است که حجاب در صدر اسلام اجباری نبوده، بلکه موکول به تصمیم و خواست خود افراد بوده است. آنان می گویند در ابتدای انقلاب اسلامی ایران نیز مسئله اجباری کردن حجاب محل اختلاف میان علما گردید.

در همین زمینه مصاحبه ای انجام گرفته است با خانم دکتر مریم صانع پور، مدیر گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. متولد سال ۱۳۳۳، دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی و مدرک دکترای فلسفه اسلامی از دانشگاه بین المللی علوم اسلامی لندن (ICIS) است. او هم اکنون دانشجوی دکتری علوم و معارف



علی زرکی
دانشجوی ارشد مدیریت رسانه
Ali.zaraki@gmail.com

اما بعضی‌ها بر ابر ترند!

کارکنان از حیطة شغلی، امری غیرقابل انکار در بهزیستی محیط شغلی است. بهداشت روانی در محیط کار یعنی مقاومت در مقابل پیدایش پریشانی‌های روانی و اختلال‌های رفتاری در کارکنان سازمان. از مشخصات یک سازمان سالم آن است که سلامت جسمی و روانی کارکنان آن، به همان اندازه مورد توجه و علاقه مدیریت سازمان قرار گیرد که تولید و بهره‌وری مورد تأکید قرار گرفته است.

قصه‌پردرد امنیت روانی نیروهای سازمان قصه نویی نیست و ظاهراً نه پایانی دارد و نه مرهمی جز سفید کردن مو! گاهی افکار چنان به ذهنم هجوم می‌آورند که اگر نویسم از غصه دق می‌کنم... شششقه هدرت ثم قرت.^۲

تمامی این جریانات و دوگانگی در برابر قانون مرا به یاد جمله جرج اورول در کتاب معروف قلعه حیوانات می‌اندازد که «همه در برابر قانون برابرند اما بعضی‌ها برابرترند.»

۱- باطل با مطرح نشدنش، می‌میرد

۲- خطبه شششقه در نهج البلاغه درد دل‌های حضرت علی علیه السلام از ماجرای سقیفه و غصب خلافت است، در آخر این خطبه حضرت به ابن عباس فرمودند: «یا ابن عباس تلک شششقه هدرت ثم قرت» ای پسر عباس آنچه شنیدی شعله غمی بود که سرکشید و در جای آرید. (شششقه چیزی شبیه بادکنک است که به هنگام خشم از دهان شتر بیرون می‌زند و پس از آرام گرفتن ناپدید می‌شود)

پاسخگو باشند و هر بار هم طلب بیشتری دارند و ماه به ماه بدون دغدغه و با احترام کامل، حقوق مدیریتی به حسابشان واریز می‌شود در حالی که کارمند سازمان با آن همه تعهد و آن همه تلاش و آن همه خلاقیت در پایان ماه با استرس باید چشمش به دست مدیر مربوطه‌اش باشد تا او قلم‌فرسایی کند و اضافه‌کاری منظور کند یا نکند! و آنجاست که مدیر عزیز تمامی مصالح موجود کشور را می‌سنجد و کسری بودجه را در نظر می‌گیرد و عملکرد نیروی مربوطه را بررسی می‌کند و هزاران استدلال می‌آورد تا خدایی ناکرده حقی جابجا نشود! هیئات که این ریزبینی‌ها و استدلال‌ها فقط اینجا نمود پیدا می‌کند هیئات!

این روزها خیر از فیش‌های حقوقی چند ده میلیون مدیران رمق از نیروها و کارمندان سازمان‌ها گرفته‌است و روحیه و توان کاری آنها را کم کرده‌است ولی آفرین بر کارمندان محترم که تعهدشان بر این بی‌اخلاقی مدیران می‌چربد...

پس از سال‌ها تجربه، دنیا به این نتیجه رسیده‌است که اگر سازمانی بخواهد در امور کاری و اقتصاد خود پیش‌تاز باشد و در عرصه رقابت عقب نماند، باید از نیروی انسانی متخصص، خلاق و بانگیزه بالا برخوردار باشد.

منابع انسانی اساس ثروت واقعی یک سازمان را تشکیل می‌دهد. تأثیر محیط شغلی و برخورد مدیران برای سلامت روانی، رفاه و رضایت

«فلانی سفارش شده است، بهمانی پسر مدیرعامل است، از بالا به ما گفته‌اند، ما وظیفه خودمان را انجام داده‌ایم، ما ماموریم و معذور و...»

گوش تمامی کارمندان سازمان‌ها پر است از توجیحات این چنینی مدیران محافظه‌کار دستگاه‌ها. هدفم از این وجیزه بیان یک رویه غلط است که گریبان‌گیر اکثر دستگاه‌ها شده‌است. رویه‌ای که اگر جلوی گرفته نشود تبدیل به سنت می‌شود و آن وقت است که باید فاتحه همین چند ساعت کار مفید کارمندان دولتی را هم خواند!

برخی افراد در سازمان‌ها به واسطه انتصاب و نه انتصاب و با تمسک به فلان دلیل و با پشتیبانی فلان مدیر محافظه‌کار آنچنان مصونیتی در سازمان پیدا کرده‌اند که هیچ‌کس حتی عالی‌ترین مقام دستگاه جرات پیدا نمی‌کند از آنها عملکرد بخواهد و مسئولان اجرایی سازمان حتی از بیان ساعات ورود و خروج آنها واهمه دارند، شاید هم مدیران عزیز قانونمند قائل به «الباطل یموت بترک ذکره»^۱ هستند و به طور کل بی‌خیال طرح چنین موضوعاتی می‌شوند، البته برای نورچشمیان و گرنه برای کارمندان که مته به خشخاش می‌گذارند و مو را از ماست بیرون می‌کشند!

این نورچشمیان بهره‌وری که ندارند هیچ، دغدغه کارهم ندارند آن هم هیچ، باری بر سر هزینه‌های سازمان هستند و جالب این است که خودشان هم باورشان شده که نباید به کسی

ماهنامه دانشجویی بیان

* صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی - اجتماعی

* پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* مدیر مسئول: بشیر معتمدی

* مدیر اجرایی: منوچهر صابر

* صفحه آرایی: انتشارات تحریر خیال

* سردبیر: شکوفه کریمی

* هیات تحریریه: شکوفه کریمی، بدریه جوکاری،

امین رضانعلی، علی زرکی، صبا عنایتی

* ویراستار: بدریه جوکاری

* ارتباط با ما:

bayannashrieh1394@gmail.com

* کانال تلگرام:

telegram.me/bayanmedia